

درخت زقوم چه درختی است؟

سخن درباره «شجره زقوم» در قرآن کریم بعد از بیان نعمت‌های بهشتی از آیه ۶۲ سوره مبارکه صافات شروع می‌شود.



جزء بیستم و سوم قرآن کریم که از آیه ۲۸ سوره مبارکه یس آغاز و به آیه ۳۱ سوره مبارکه زمر ختم می‌شود، در بردارنده آموزه‌ها و پیام‌های روح افزای الهی است که این نوشته تعدادی از آن‌ها را نقل می‌کند.

بهبانه ای برای کمک نکردن

در کمک به نیازمندان و انفاق به مستمندان منطق بسیار عوامانه‌ای وجود دارد که از سوی افراد خود خواه و خسیس مطرح می‌شود که وقتی به آن‌ها گفته می‌شود: از آنچه خدا به شما روزی کرده است در راه او انفاق کنید (وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ)؛ پاسخ می‌دهند: آیا ما کسی را اطعام کنیم که اگر خدا می‌خواست او را سیر می‌کرد؟! (أَنْطَعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطَعَمَهُ)

معنای این حرف این است که اگر فلانی فقیر است لابد کاری کرده که خدا می‌خواهد فقیر بماند و اگر ما غنی هستیم لابد عملی انجام داده ایم که مشمول لطف خدا شده ایم؛ بنابراین نه فقر آن‌ها و نه غنای ما هیچ‌کدام بی حکمت نیست!!

غافل از اینکه جهان میدان آزمایش و امتحان است، خداوند یکی را با تنگدستی آزمایش می‌کند و دیگری را با غنا و ثروت و گاه یک انسان را در دو زمان با هر دو امتحان می‌کند که آیا به هنگام فقر امانت و مناعت طبع و مراتب شکرگزاری را به جامی آورد؟ یا همه را زیر پا می‌گذارد؟ [۱]

و اگر آنچه آنها می‌گویند درست است دیگر دلیل نداشتند که خداوند در آیات متعدد دستور به انفاق دهد (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ) [۲] و در مقابل کسانی که انفاق در راه خدا را ترک کرده اند را به شدت تهدید کرده و به آن‌ها وعده عذاب دهد: [ای رسول ما] کسانی را که طلا و نقره می‌اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نمی‌کنند، به عذاب دردناکی بشارت ده (وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَفْقَهُنَّهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ) [۳].

عهدی که با او بسته ایم

در آیات متعدد قرآن کریم سخن از عهدی رفته است میان ما بندگان و خدای متعال؛ مانند این آیه که می‌فرماید: شما به عهدتان وفا کنید تا من هم به عهد خود وفا کنم (وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ) [۴]؛ اما این عهد چیست و مفاد آن کدام است؟!

سوالی است که پاسخ آن را می‌توان در آیات ۶۰ و ۶۱ سوره یس مشاهده کرد.

در این آیات، متن عهده نامه یاد شده آمده که در بردارنده دو بند اساسی است :

بند اول آن، عبادت نکردن شیطان است (أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ) و بند دوم آن عبادت کردن خداوند یکتای متعال (أَنْ اعْبُدُونِي).

جهان میدان آزمایش و امتحان است، خداوند یکی را با تنگدستی آزمایش می کند و دیگری را با غنا و ثروت و گاه یک انسان را در دو زمان با هر دو امتحان می کند که آیا به هنگام فقر امانت و مناعت طبع و مراتب شکرگزاری را به جا می آورد؟ یا همه را زیر پا می گذارد؟

باید دقت کرد که در این آیه انسان ها از عبادت شیطان نهی شده اند؛ منظور از عبادت کردن شیطان، اطاعت او در وسوسه ها و دستورهایی است که از او صادر می شود [۵]؛ بنابراین «شیطان را عبادت نکنید»؛ یعنی از وسوسه های شیطان پیروی نکنید؛ زیرا اطاعت از غیر خداوند و کسانی که خداوند دستور به اطاعت از آن ها داده است [۶] ممنوع است.

پیروان شیطان عاقل نیستند

در روایتی امام صادق علیه السلام در تعریف عقل فرمود: عقل آن چیزی است که خداوند رحمان با آن عبادت می شود و بهشت با آن به دست می آید (مَا عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اُكْتَسِبَ بِهِ الْجَنَّةُ) [۷] و چون مسیر عبادت خدا، غیر از مسیر عبادت و پیروی از شیطان است؛ بنابراین آنکه خدا را عبادت نکرد و پیرو شیطان بود، از عقل بهره ای نبرد و عاقل نیست.

در آیه ۱۳۰ بقره، قرآن کریم کسانی که از عبادت و بندگی خدا رویگردان شدند را سفیه می خواند: وَمَنْ يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ اِبْرَاهِيمَ اِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ: کسی جز افرادی که خود را به سبک مغزی افکنده اند، از ائین پاک ابراهیم روی گردان نخواهد شد.

با توجه به آن روایت و این آیه روشن می شود که چرا خداوند متعال در نهی پیروی از شیطان در آیه ۶۲ سوره یس بعد از آنکه دلیل می آورد که او افراد زیادی از شما را گمراه کرد (وَلَقَدْ اَضَلَّ مِنْكُمْ جِبَلًا كَثِيرًا) می فرماید: پس چرا عقلمندان را به کار نمی گیرید؟ (اَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ)

که این آیه نیز هم سو با مطالب گذشته، پیروی از شیطان را کاری غیر عاقلانه خوانده، برای همین کسانی که از وسوسه های او پیروی می کنند را به تعقل و به کارگیری از نعمت عقل دعوت می نماید.

تشبیه شکوفه های آن گیاه جهنمی به سرهای شیاطین برای بیان نهایت زشتی و چهره تنفرآمیز آن است، زیرا انسان از چیزی که متنفر باشد، در ذهن خود برای آن قیافه ای زشت و وحشتناک ترسیم می کند و به هر چه علاقه مند است برای آن قیافه ای زیبا و دوست داشتنی

شجره زقوم چه درختی است؟

سخن درباره «شجره زقوم» در قرآن کریم بعد از بیان نعمت های بهشتی از آیه ۶۲ سوره مبارکه صافات شروع می شود که می فرماید: آیا این نعمت های جاویدان و لذت بخش که بهشتیان را با آن پذیرایی می کنند، بهتر است یا درخت نفرت انگیز زقوم؟! (اَذَلِكْ خَيْرٌ نُّزُلًا اَمْ شَجَرَةُ الزُّقُومِ)

«شجره» همیشه به معنی درخت نیست گاه به معنی گیاه نیز می آید و قرائن نشان می دهد که منظور از آن در اینجا، گیاه است. [۸] اما «زقوم»؛

در کتاب لسان العرب آمده است: این ماده در اصل به معنی بلعیدن است. سپس می افزاید: هنگامی که این آیه نازل شد ابوجهل گفت: چنین درختی در سرزمین ما نمی روید؛ چه کسی از شما معنی زقوم را می داند؟

در آنجا مردی بود از آفریقا؛ او گفت: زقوم در زبان ما آفریقائیان به معنی «کره و خرما» است. ابوجهل برای تمسخر صدا زد: کنیز! مقداری خرما و کره بیاور تا زقوم کنیم! آنها می خوردند و مسخره می کردند و می گفتند: محمد صلی الله علیه وآله در آخرت، ما را به اینها می ترساند! قرآن نازل شد و پاسخ دندان شکنی به آن ها داد [۹] که در آیات بعد می خوانیم.

در روایتی امام صادق علیه السلام در تعریف عقل فرمود: عقل آن چیزی است که خداوند رحمان با آن عبادت می‌شود و بهشت با آن به دست می‌آید (مَا عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اِكْتَسِبَ بِهِ الْجَنَانُ) و چون مسیر عبادت خدا، غیر از مسیر عبادت و پیروی از شیطان است؛ بنابراین آنکه خدا را عبادت نکرد و پیرو شیطان بود، از عقل بهره‌ای نبرد و عاقل نیست

در آیات بعد، قرآن کریم به برخی ویژگی‌های این گیاه می‌پردازد که آن‌ها مایه عذاب و رنج بودن آن برای ظالمان است (إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِّلظَّالِمِينَ).

سپس می‌افزاید: آن درختی است که از قعر جهنم می‌روید (إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ) و بعد می‌فرماید: شکوفه آن مانند سرهای شیاطین است (طَلَعَهَا كَأَنَّهٗ رُؤُوسُ الشَّيَاطِينِ).

تشبیه شکوفه‌های آن گیاه جهنمی به سرهای شیاطین برای بیان نهایت زشتی و چهره تنفرآمیز آن است، زیرا انسان از چیزی که متنفر باشد، در ذهن خود برای آن قیافه‌ای زشت و وحشتناک ترسیم می‌کند و به هر چه علاقه مند است برای آن قیافه‌ای زیبا و دوست‌داشتنی.

برای همین در عکس‌هایی که مردم برای فرشتگان می‌کشند زیباترین چهره‌ها را ترسیم می‌کنند و برای شیاطین و دیوان بدترین چهره‌ها را، در حالی که نه فرشته را دیده‌اند و نه دیو را.

در تعبیرات روزمره نیز بسیار دیده می‌شود که می‌گویند: فلان کس مانند جن است؛ یا قیافه‌اش مثل دیو است! این‌ها همه تشبیهاتی است بر اساس تصورات ذهنی انسان‌ها از مفاهیم مختلف که ادبیات قرآن هم در بیش‌تر موارد منطبق با همین ادبیات عامیانه است [۱۰].

آخرین نکته‌ای که در این آیات درباره گیاه زقوم بیان شده است پرشدن شکم ظالمان مغرور از آن است (فَأِنَّهُمْ لَأَكِلُونَ مِنْهَا فَمَالِؤُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ).

پی‌نوشت‌ها:

۱. آیات ۱۵ و ۱۶ سوره فجر به همین موضوع پرداخته است.

۲۵۴/ ۲. بقره

۳۴/ ۳. توبه

۴۰/ ۴. بقره

۵. المیزان فی تفسیر القرآن ۱۷/۱۰۲

۵۹/ ۶. نساء

۱۱/۱ ۷. کافی

۸. تفسیر نمونه ۱۹/۷۰

۹. لسان العرب ۱۲/۲۶۹

۱۰. ک به تفسیر نمونه ۱۹/۷۲

